

درّ یتیم خلیج فارس

دکتر شیما جعفری دهقی^۱

چکیده

خلیج فارس از دیرباز مسیر تجارت و تبادل فرهنگ و تمدن میان شرق و غرب بوده است. راه آبی خلیج فارس، بخشی از راه ابریشم بود که از شرق چین تا میانه اروپا امتداد داشت. این آبراه، مکان گردهمایی و رفت و آمد سیاحان، بازرگانان، مبلغان مذاهب و ساکنان مناطق مختلف جهان به شمار می‌رفت. راه آبی ابریشم از این جهت بدین نام شهرت یافت که معروف‌ترین کالایی که از آن می‌گذشت ابریشم بود. با این حال، در کنار آن، کالاهای ارزشمند دیگری همچون سنگ‌های قیمتی و مروارید که گرانبهاترین و بزرگترین آن تنها در خلیج فارس پیدا می‌شد از این مسیر آبی به دست ساکنان دیگر سرزمین‌ها می‌رسید. بنابر شواهد باستان‌شناسی، مروارید از هزاره دوم پیش از میلاد در ایران صید می‌شد و گنجینه‌های مکشوف در لرستان و شوش و دیگر مناطق باستانی ایران حاکی از اهمیت این زینت گرانبها از دیرباز نزد ایرانیان است. هدف از نگارش این مقاله نخست بررسی دیرینگی و چگونگی صید مروارید و اهمیت این کالای ارزشمند در خلیج فارس و سپس نگاهی به جایگاه و نقش خلیج فارس در عرضه و تجارت آن در عرصه جهانی است. افزون بر این، نویسندگان این مقاله در جستجوی راهکاری برای تجدید حیات و صید و تولید مروارید به عنوان یکی از مهم‌ترین محصولات گرانبه‌تر تجاری در خلیج فارس اند.

واژه‌های کلیدی: مروارید، خلیج فارس، جاده ابریشم دریایی، ایران باستان، تجارت.

مقدمه

مروارید عبارت از جسم جامد و کروی‌شکل و براقی است که درون صدف شکل می‌گیرد (برهان قاطع، ج چهارم : ۱۹۹۷). معمولاً نوع سفید آن مرغوب‌تر است که این نوع از سواحل دریای فارس به دست می‌آید. بنابر گزارش‌های کارشناسان و مورخین دریای پارس از دیرباز محل صید بهترین و بزرگترین مروارید در جهان بوده است. اهمیت و زیبایی مروارید آنچنان بوده که بنابر تصور گذشتگان، آن را برگرفته از قطرات اشک فرشتگان می‌شمردند و ایزدبانوان را با زیورآلاتی که در آن مروارید تعبیه شده بود، تصویر می‌کردند. بنابر اعتقاد عامه مروارید دانه باران بود که درون صدف

۱- پژوهشگر دایرة المعارف بزرگ اسلامی

جای می گرفت. بدین ترتیب که صدف از اعماق دریا به سطح آب می آمد و دهان باز می کرد و در این حال قطره باران به درون آن می چکید و پس از چندی مروارید درون صدف پرورش می یافت (دهخدا ۱۴۴ / ۲۲۴ - ۲۲۶).



خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین مرکز صید مروارید در جهان

شواهد باستان‌شناختی

قدیمی‌ترین مروارید مکشوف در ایران، از منطقه باستانی تپه گیان در لرستان به دست آمده است. لایه‌های باستانی که این مروارید در آن یافت شده، متعلق به نیمه هزاره دوم پیش از میلاد است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۱۴۹؛ نگهبان، ۲۰۰۳: ۶-۷). بنابراین پیش از ورود آریایی‌ها، ساکنان بومی فلات ایران با صید مروارید آشنا بودند و از آن به عنوان زیورآلات استفاده می‌کردند. در جنوب غربی ایران، نیمی از کرانه‌های خلیج فارس محل سکونت ایلامی‌ها بود و شوش، مرکز تمدن آن زمان، در کنار این کرانه‌ها قرار داشت. بدون شک، ایلامی‌ها از دریای پارس برای تجارت بهره می‌بردند و از آن طریق با دیگر تمدن‌های مهم آن زمان، از جمله هند و میانرودان ارتباط برقرار می‌کردند. بنابر متون ایلامی، بخشی از ایلام، بر کرانه خلیج فارس، «سرزمین دریایی» نام داشت (هینتس ۱۳۸۶: ۵۳). شهر شوش در کنار رود کرخه بنا شده بود و این رود تا رود کارون قابل کشتی‌رانی بود (همانجا). بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهرهایی نظیر چغازنبیل،

شوشتر، بهبهان و رامهرمز از طریق این رودخانه‌ها به خلیج فارس متصل می‌شدند و تجارت در این آبها رونق داشت (پاتز ۲۰۰۹ الف: npn). شواهد موجود در نوشته‌ها از جنوب میانرودان حاکی از استفاده ایلامی‌ها از گونه خاصی از کشتی است که بوسیله آن، جو، آرد، پارچه و دیگر کالاها را از راه خلیج فارس تجارت می‌شد (همپل ۱۹۸۷: ۷۱-۷۲). کشف آثار مربوط به تمدن هند و ایران، نظیر سفال خاکستری و مهرهای ایرانی در عمان، بحرین و جنوب میانرودان نشان می‌دهد که این آثار از طریق خلیج فارس وارد این مناطق می‌شد و در این دوره، تجارت از طریق خلیج فارس به سایر بنادر صورت می‌گرفت (پاتز ۲۰۰۹ ب: ۳۲).

پس از ورود اقوام آریایی به فلات ایران و سکونت اقوام پارس در جنوب غربی ایران، نام دریای پارس بر سر زبانها افتاد. این آبراهه با دریای مدیترانه و اقیانوس هند راه داشت. بدین ترتیب، پارسیان از طریق این دریا با سایر سرزمین‌ها تجارت و داد و ستد می‌کردند. پس از اینکه کوروش کبیر مناطق آنسوی خلیج فارس را در شمار شهرهای پادشاهی خویش اعلام کرد، دریای پارس نقشی مهم‌تر از پیش در ارتباط و تجارت میان سرزمین ایران با دیگر کشورها و نیز با بحرین و عمان که در آن زمان در شمار شهرهای هخامنشی بودند پیدا کرد.

بنادر خلیج فارس از طریق چند مسیر با کشورهای دیگر در ارتباط بود:

- ۱- مسیر درون خلیج فارس
- ۲- مسیر غرب خلیج فارس به سوی بصره و کشورهای عربی
- ۳- مسیر شرق خلیج فارس به سوی اقیانوس هند و چین
- ۴- مسیر جنوب با آفریقا

در کتیبه‌های هخامنشی (Xph, DSe, DNa) و از جمله در کتیبه داریوش در کانال سوئز افزون بر ذکر نام "دریای پارس" برای خلیج فارس، از شهرهای آنسوی دریا (para draya) نیز یاد شده که احتمالاً منظور، مناطق آنسوی خلیج فارس است (کنت ۱۹۵۳: ۱۹۵). در اشیای زینتی کشف شده از این دوره در پاسارگاد و شوش، مروارید به کار رفته است (استروناخ ۱۹۷۸: تصویر ۱۵۹؛ موشه ۱۹۹۲: تصاویر ۱۰۶-۱۰۷). مثلاً در بازوبند، دستبند و گردنبندهایی که در شوش کشف شده مرواریدهای ارزشمندی تعبیه شده که بیانگر اهمیت آن در این دوره است. یکی از گورهای باستانی متعلق به پایان دوره هخامنشی که در شوش کشف شده، حاوی سه رشته ۴۰۰ و ۵۰۰ عددی مروارید بوده است. در این رشته‌های مروارید، قطعاتی از جنس طلا نیز کار گذاشته شده است (تالون ۱۹۹۲: ۲۴۲). اکنون این رشته‌ها در موزه لوور نگهداری می‌شود.



تزئین سر، ایزدبانویی با از طلا به همراه سنگهای گرانبها و مروارید

<http://www.heritageinstitute.com/zoroastrianism/balkh/talayehtepe.htm>

از دوره اشکانی نیز مروارید در تزئینات پیدا شده است. بنابر گفته ایزودور خاراکسی، مورخ و جغرافی‌دان مشهور، در دوره اشکانی، از مروارید خلیج فارس در زیورآلات استفاده می‌شد. وی در توصیفش از سرزمین اشکانیان می‌گوید که جزیره‌های در خلیج فارس وجود دارد که مرواریدهای فراوانی در آن یافت می‌شود و در اطراف جزیره، قایق‌هایی ساخته شده از نی وجود دارد که مردان از روی آنها به اعماق دریا شیرجه می‌روند و صدف‌های دوپوسته را صید می‌کنند. آن‌ها می‌گویند وقتی رعد و برق‌های شدید و باران‌های سنگین می‌آید،

صدف بیشترین بچه را تولید می‌کند و آن‌ها بیش‌ترین، بهترین و بزرگ‌ترین مرواریدها را به‌دست می‌آورند. در زمستان عادت صدف‌ها این است که به سوراخ‌های ته دریا فرو روند، اما در تابستان در تمام شب، پوسته‌شان را باز می‌کنند، ولی در طول روز آن را می‌بندند. زمانی که با حرکت امواج به سنگ‌ها و صخره‌ها می‌چسبند و مروارید تولید می‌کنند. صدف‌هایی که روی سطح آب شناور هستند به‌خاطر نور خورشید، مرواریدهای کوچک‌تری تولید می‌کنند (منزلگاه‌های اشکانی ۱۳۹۲: ۲۹-۳۰). این گزارش ایزودور بر اهمیت مروارید نزد ایرانیان در عهد اشکانی تأکید می‌کند. همچنین، پلینی در شرحی که دربارهٔ گنجینه‌هایی که پس از نبرد، از شرق به عنوان غرامت به غرب آورده می‌شد، مروارید خلیج فارس را برمی‌شمارد (موشه ۲۰۰۸: npn). در دورهٔ ساسانی، مشهورترین مروارید را پیروز در گوشوارهٔ خود داشت که تصاویر آن بر روی سکه‌های این دوره باقی‌مانده است. همچنین در نقش‌برجسته‌های دورهٔ پادشاهی اردشیر اول تا اردشیر دوم، گردنبندی از مروارید و جواهرات بر گردن پادشاهان و بزرگان ساسانی مشاهده می‌شود که احتمالاً تا آن زمان نماد پادشاهی و مقام والا بود (گیرشمن ۱۹۶۲: ۱۲۶-۱۲۷). کرتیر، موبد و روحانی برجستهٔ این دوره نیز در نقش رستم با همین گردنبند مروارید تصویر شده است (همان: ۱۶۱). در گزارش‌های آمیانوس مارسلینوس، شخصی که در نبردهای دولت روم با شاپور دوم ساسانی همراه رومیان بود دربارهٔ پوشاک و جواهرات ایرانیان آمده که لباس ایرانیان فاخر بود و درخششی خاص داشت و با جواهرات و مروارید تزیین شده بود (پک ۱۹۹۲: ۷۳۹-۷۵۲). همچنین بر روی تعدادی از مهرهای دورهٔ ساسانی، اشخاص برجسته با گردنبند مروارید تصویر شده‌اند (گیزلن ۲۰۰۷: ۶۵).



بر روی سکه‌های اردشیر، کلاه او دارای حاشیه‌ای مرواریددوزی شده و بر روی آن ماه و ستاره دیده می‌شود (لوکونین، ۲۶۴، ۲۶۶-۲۶۸).

مرورید در متون ایرانی میانه

قدیمی‌ترین اشاره به مرورید در متون فارسی میانه، پارتی و سغدی است. نام مرورید در متون ایرانی میانه چنین آمده است: فارسی میانه morw r d (مکنزی، ۱۹۷۱: ۵۶)، پارتی mor r d (بویس، ۱۹۷۷: ۵۸)، سغدی (mr 'rt(h), mwz'kk, amwr nt) و در ترکیب mr 'rtswmbyy «مرورید سفتار، مرورید سنب» (قریب، ۱۳۷۴: ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۲). در متون بازمانده به زبان ختنی نیز که از شمار زبان‌های ایرانی میانه شرقی است، نام مرورید به چشم می‌خورد: mr he (بیلی، ۱۹۷۹: ۳۴۱). بنابر نظر برخی پژوهشگران، احتمالاً مرورید با واژه مهره، به معنی آنچه که گرد باشد هم‌ریشه است. بنابر نظر هارولد بیلی، ایران شناس و زبان شناس نامدار واژه مرورید تحت اللفظی به معنی "جواهر گرد" است. این واژه از marg- به معنی "توده" مشتق شده و با واژه یونانی μ و μ مرتبط است. چنانکه واژه pearl در زبان انگلیسی نیز برگرفته از واژه اوستی färdug به معنی "مهره" است. نام مرورید در زبان ارمنی نیز به صورت وامواژه margarit "مارگریت" به کار می‌رود (همانجا). به هر حال، در بیشتر متون کهن نام مرورید به همراه جواهرات و سنگ‌های گرانبها آمده است که معمولاً شاهان و بزرگان خود را با آن می‌آراستند.

در میان دستنویس‌های سغدی مانوی مکشوف در چین، داستانی با عنوان مرورید سنب (کسی که مرورید سوراخ می‌کند) وجود دارد. این داستان در دو دستنویس به خط سغدی و مانوی نوشته شده است (هنینگ، ۱۹۴۵: ۴۶۵-۴۸۷؛ زرشناس، ۱۳۸۰: ۵۳-۶۱). وجود این داستان در متون سغدی از چند جهت حائز اهمیت است. یک اینکه متون سغدی مانوی، متونی دینی و آموزنده بودند و مانی و پیروانش از طریق تمثیل‌هایی که در این داستان‌ها می‌آوردند به آموزش اخلاق و دین می‌پرداختند. بنابراین، تشبیه مرورید به شیء بسیار گرانبها مورد توجه ادبا و هنرمندان بوده است و این امر اهمیت آن را در ادبیات ایرانی میانه نشان می‌دهد. دودیکر اینکه عنوان "مروریدسفتار" در این متن نشان می‌دهد که تجارت مرورید و پیشه‌های وابسته به آن در آن زمان از پیشه‌های رایج و حائز اهمیت بوده است. با توجه به کاربرد واژه مرورید و تشبیهات آن در متون ایرانی میانه می‌توان به دیرینگی صید مرورید در خلیج فارس و اهمیت این کالای قیمتی پی برد.

نتیجه

دریای فارس از دیرباز محل ارتباط تجاری و تلاقی فرهنگی میان شرق و غرب بوده است. صید و تجارت مرورید چنانکه گذشت، از دیرباز در این ناحیه صورت می‌گرفت و ایرانیان از جمله نخستین صیادان و تجار مرورید در خلیج فارس و انتقال دهندگان آن به سایر سرزمین‌ها بودند. وجود واژه

مروارید در متون ایرانی میانه، از جمله سغدی و حتی ذکر عنوان پیشه مرواریدسفتاری در این متون، اهمیت نقش خلیج فارس در روابط تجاری و فرهنگی میان شرق و غرب و سراسر منطقه را باز می نماید. بنابراین، می توان به جرات ادعان نمود که ایرانیان نخستین صاحبان صید و تجارت مروارید در خلیج فارس به شمار می روند. امید که صید و پرورش مروارید در خلیج فارس با تلاش و کوشش مسئولان و صاحبانظران به نام ایران ثبت جهانی شود. همچنین، امید است با عنایت و همکاری پژوهشگران و صاحبانظران اقتصادی به امر صید و تجارت مروارید در خلیج فارس به عنوان یکی از میراث‌های ارزشمند ملی کشورمان توجه بیشتری مبذول گردد.

منابع

- خاراکسی، ایزودور، ۱۳۹۲، منزلگاه‌های اشکانی، ترجمه علی اصغر میرزایی، تهران
- خلف تبریزی، محمد حسین، ۱۳۶۲، برهان قاطع، تهران
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۵، لغت‌نامه، تهران
- زرشناس، زهره، ۱۳۸۰، جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی، تهران
- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، فرهنگ سغدی، تهران
- لوکونین، ولادیمیر، ۱۳۵۰، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران
- هرتسفلد، ارنست، ۱۳۸۱، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران
- هینتس، والتر، ۱۳۸۶، شهریاری ایلام، ترجمه پرویز رجبی، تهران
- Bailey, H.W, 1979, Dictionary of Khotan Saka, Cambridge
- Boyce, M, 1977, A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian, Acta Iranica 9, Teheran and Liège
- Ghirshman, R, 1962, Persian Art: The Parthian and Sassanian Dynasties, New York
- Gyselen, R, 2007, Sassanian Seals and Sealings in the A.Saeedi Collection, Acta Iranica 44, Belgium
- Henning, W.B, 1945, « Sogdian Tales », Bulletin of the School of Oriental and African Studies 11, London, pp: 465- 487
- Kent, R. 1953, Old Persian Grammar, New Haven
- Heimpel, W, 1987, «Das Untere Meer», Zeitschrift für Assyriology 77, pp: 22- 91
- MacKenzie, D.N, 1971, A Concise Pahlavi Dictionary, London
- Musche, B, 2008, « Pearl in Pre-Islamic Period », Encyclopaedia Iranica Online
- Negahban, E, 2003, "Giyān Tepe", Encyclopaedia Iranica, Vol.XI, pp:6-7
- Peck, H.E, 1992, « Clothing in the Sassanian Period », Encyclopedia Iranica, Vol.5, pp: 739- 752.
- Potts, D.T, 2009 A, « Maritime Trade in Pre-Islamic Period », Encyclopaedia Iranica Online
- Potts, D.T, 2009 B, «The Archaeology and Early History of The Persian Gulf», The Persian Gulf in History, New York.
- Przeworski, S, "Personal Ornaments in Pre-Achaemenid Iran", A Survey of Persian Art, ed. A. Pope, Tehran, Vol. I
- Rawlinson, G, 1879, The Five Great Monarchies of The Ancient Eastern World, London

- Stronach, D, 1978, Pasargadae, Oxford
- Tallon, F, 1992, « The Achaemenid Tomb on the Acropole», The Royal City of Susa, New York, pp: 242- 252

